تصوف

از

دیدگاه ائمه اطهار (ع)

داود الهامی

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

تصوّف

از دیدگاه ائمهٔ اطهار علیهم السلام

تألیف:

داود الهامی

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

انتشارات سپهر آذین
Sepehr Azin Publication Office

شناسنامه

نام کتاب: . . . . تصوّف از دیدگاه ائمهٔ اطهار

نویسنده: . . . . داود الهـامی

ناشر: . . . . .سپهر آذین ۰۲۵۱-۲۹۰۱۲۸۰

مرکز پخش: . . . . انتشارات مکتب اسلام

چاپخانه : . . . . سپـهر قم۲۹۱۲۲۷۴

تیراژ: ۵۰۰۰

تاریخ انتشار: . . . . پائیـز ۱۳۸۵

نوبت چاپ: . . . . اول ناشر

شابک: ۷-۲۴-۹۹۱۰-۹۶۴

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

بسم الله الرحمن الرحیم

اگر مرزهای جغرافیائی کشورمان مورد حملهٔ دشمن قرار بگیرد، در مرحلهٔ اول وظیفهٔ مرزداران کشور است که از مرزهای شناخته شدهٔ کشور دفاع نمایند و جلو هر نوع تهاجم دشمن را بگیرند.

و اگرمرزهای اعتقادی مسلمانان مورد تاخت و تاز قرار گیرد، به‌طور حتم این هم وظیفهٔ علمای دین و حافظان شریعت است که از اعتقادات دینی محافظت نمایند و با افکار انحرافی و بدعتهای دینی مبارزه کنند و مسلمانان را از پیروی عقائد و افکار باطل برحذر دارند و به همین جهت در روایات

از علماء به «**حصون اسلام**» و گاهی بـه «**مـرابـطین**» یـعنی سرحدداران و مرزبانان تعبیر شده است.

آری ایـن بـه عـهدهٔ علمای اسلام است کـه اولاً مرزهای اعتقادی را مشخص کنند و ثانیاً از هـر نـاحیه جـلو حملهٔ دشمن را بگیرند. حقّا که علمای شیعه در طول تـاریخ این وظیفه را به وجه احسن انجام داده‌اند و در هر زمان جلو انحرافات و بدعتها را گرفته‌اند و در حفظ و نگهداری مذهب نقش مهمی ایفاء کرده‌اند.

سوگمندانه در حال حاضر مرزهای اعتقادیمان مـورد تهاجم و تاخت و تاز دشمن قرار گرفته دشمن سعی می‌کند با ایجاد شبهات دینی زیربنای اعتقادی مردم را سست کرده و نسبت به اصل دین، مردم را بی‌اعتقاد کند و با ارسال تصاویر مـاهواره‌ای و انـتشار نشـریات مـبتذل و پـخش بـرنامه‌های رادیوئی جوانان را بی‌هدف و لاابالی نماید.

با احساس این نکته، در مقابل این تهاجم و شبیخون فـرهنگی یک نـهضت عـمومی از طـرف عـلماء و پـاسداران

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

اسلام لازم و ضروری است.

بعضی خوش‌باورها می‌گویند با باطل و فرقه‌های ضالّه کاری نداشته باشید و آنها را به حال خود بگذارید زیرا باطل در مقابل حق نمی‌تواند دوام بیاورد **(الباطل یموت بترك ذكره)** ولی عملاً می‌بینیم این منطق، منطق درستی نیست و در خارج دیده می‌شود باطل نه تنها با ترک ذکر آن نمرده، بلکه روز به روز قویتر شده است!!

شما تنها درویشی و صوفیگری را در نظر بگیرید اگر از روز اول علمای اسلام مانند ائمهٔ اطهار علیهم السلام با این بدعت، جدی برخورد می‌کردند، کار به اینجاها نمی‌کشید و در میان شیعیان مانند زمان ائمه از صوفیگری خبری نبود و همهٔ شیعیان وظیفهٔ خود را در مقابل این فرقهٔ ضالّ و مضلّ می‌دانستند ولی مسامحه و سهل‌انگاری و مماشات بعضیها سبب شد برخی از این فرقه‌ها در میان شیعیان نیز پیدا شوند و ادعای تشیع نمایند و موجب ضلالت و گمراهی مردم گردند.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

به منظور تمرکز مساعی فکری، معنوی و مادی افراد علاقمند برای دفاع از عقائد اسلام و مذهب تشیع و مبارزه باتهاجم فرهنگی و انحرافات مذهبی مؤسسه‌ای به نام **«دفاع از حریم اسلام»** تشکیل گردیده است.

این مؤسسه فعالیت خود را در چند مرحله به تدریج انجام خواهد داد ولی از آنجائی که فعلاً فرق صوفیه به علت وابستگی‌شان به امپریالیسم جهانی در کشورمان فعالیت زیادی دارند و جنب و جوش صوفیان از هرجا به گوش می‌رسد و دستهائی از خارج و داخل به این بدعت آشکار دامن می‌زنند این مؤسسه مبارزه با این فرقه‌ها را در اولویت قرار داده است.

این نوشته، نخستین نشریهٔ این مؤسسه است و این نشریات که هرچند وقت انتشار خواهد یافت علاوه بر این که راهنمای خوبی برای **«شناخت طرق مختلف صوفیه»** است، اطلاعات قابل توجهی را برای کسانی که می‌خواهند با یک مطالعهٔ کوتاه با اصول عقائد و افکار آنها آشنا گردند، دربر

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

دارد.

ما برای انجام این وظیفه از خداوند متعال و حجت بالغه‌اش حضرت بقیةالله الأعظم استعانت می‌جوئیم و بی‌شک مساعدتهای بزرگان دین و تربیت شدگان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام می‌تواند این مؤسسه را در رسیدن به اهداف مذهبی خود یاری نماید.

ضمناً این مؤسسه آمادهٔ پاسخگوئی به سؤالات مذهبی شماست و می‌توانید با آدرس:

قم - صندوق پستی ۳۷۱۸۵/۳۶۴۵ مکاتبه نمائید.

دفاع از حریم اسلام

۷۶ / ۱۰ / ۱۵

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

بحثی کوتاه پیرامون تصوّف

دربارهٔ واژهٔ **«صوفی»** و ریشهٔ لغوی آن، آراء و نظرات گوناگونی ذکر شده است.

لغویّون و فرهنگ‌نویسان قدیم، محقّقان اسلامی و مؤلفان صوفیّه و مستشرقین و ایران‌شناسان، هریک ادعائی داشته و این کلمه را مشتق از ریشه‌ای دانسته و ضبط کرده‌اند[1].

یکی از مؤلفان **«تاریخ تصوّف در اسلام»** پس از نقل

---

۱) زمخشری، اساس البلاغه - ابن خلدون، مقدمه، ص ۶۴۷ - طُریحی، مجمع‌البحرین، مادهٔ صوف - ترجمهٔ رسالهٔ قُشیریه، ص ۴۶۸ - تاج‌العروس، راغب اصفهانی، المفردات - سمعانی، الأنساب - ریاض السیاحة، ص ۳۰۶.

اقوال و عقائد مسلمانان و بعضی از مستشرقین دربارهٔ اصل و اشتقاق کلمهٔ «**صوفی**» و «**متصوّف**» نتیجه می‌گیرد و می‌گوید:

«حاصل آن که نزدیکترین قولها به عقل و منطق و موازین لغت این است که «**صوفی**» کلمه‌ای است عربی و مشتق از لغت «**صوف**» یعنی پشم. و وجه تسمیهٔ زهّاد و مرتاضین قرون اول اسلام به «**صوفی**» آن است که لباس پشمینهٔ خشنی می‌پوشیده‌اند و نیز لغت «**تصوف**» مصدر باب تفعّل است که معنای آن پشمینه پوشیدن است همان‌طور که «**تقمّص**» به معنی پیراهن پوشیدن است[۱].

تعریف تصوّف

دربارهٔ معنی «**تصوف**» و این که «**صوفی**» چه کسی را گویند، باید اعتراف کرد که یک تعریف جامع که طریقه و

---

۱) دکتر قاسم غنی، تاریخ تصوف در اسلام، ص ۴۵.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

روش صوفیه را حاوی باشد و مورد قبول همگان نیز قرار گرفته باشد، یافت نمی‌گردد زیرا تفاوتهای بسیاری در تفصیلات و وقایع تصوّف وجود دارد و علاوه بر تحوّلات و تطوّرات داخلی که در نهضتهای تصوّف حادث شده، عکس‌العملهای خارجی و تأثیرات تاریخی که آثار آنها در محیطهای گوناگون تصوّف نفوذ داشته است، منجرّ به اختلافات و انشعابات بسیار و انقساماتی در پایهٔ نظری این مکتب الحادی گردیده است.

گویند: «ابومنصور عبدالقادر» در «بغداد» (متوفّیٰ ۴۲۹هـ ق) برحسب حروف ابجد با توجه به تألیفات بزرگان صوفیه در حدود یک هزار تعریف دربارهٔ تصوّف و صوفیه و نظریهٔ آنان جمع آوری کرده است [1].

البته مشایخ صوفیه صدها تعریف برای تصوف و معنی صوفی ذکر کرده‌اند و از هرکدام از أقطاب و رؤسای این

۱) نفحات الأنس، مقدمه، مصحّح، ص ۱۵.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

فرقه چند تعریف دربارهٔ تصوّف نقل شده است.

«سُهروردی» در کتاب **«عوارف المعارف»** صدها تعریف در ماهیت **«تصوف»** و صوفی می‌شمارد [1].

و نیز **«نیکلسن»** بعد از مطالعهٔ کتب صوفیه تا اوائل قرن پنجم هجری توانسته است در حدود ۸۷ تعریف گوناگون در مورد تصوف فراهم آورد وی پس از انتخاب چند تعریف در کتاب **«صوفیهٔ اسلام»** می‌گوید:

«تعریفهای بسیار در فارسی و عربی از تصوف شده ولی بعد از همهٔ آن گفته‌ها باید گفت: که تصوف را نمی‌توان تعریف کرد».

بدین ترتیب آشکار می‌گردد که تا چه اندازه تباین و اختلاف در فروع نظریهٔ تصوف وجود داشته است و به قول **«ابوسعید بن اعرابی صوفی»**(م۳۴۰هـ) صوفیه قائل به جمع

۱) عبارت کتاب عوارف المعارف سهروردی این چنین است:
«واقوال المشایخ فی ماهیة التصوف تزید علی ألف قول»: أقوال مشایخ صوفیه در تعریف تصوف بیش از هزار قول است.

بودند اما صورت این جمع نزد هر دسته از آنان برخلاف آنچه بوده که در نزد دیگری است و با این ترتیب در اسماء متفق و در معانی مختلف بودند زیرا مفهوم آنچه زیر اسم نهان است، محصور نیست. چون اسم از معارف است [1].

ولی با وجود همهٔ تعریفات، نتوانسته‌اند یک تعریف جامعی برای تصوف بیان کنند و خود این همه اختلاف و مغایرت که در تعاریف آنها وجود دارد کاشف از این است که هر کدام مفهوم جداگانه‌ای برای تصوف و صوفی قائل بوده‌اند.

به قول یکی از نویسندگان معروف:

«مشایخ در بیان معنی تصوف بسیار سخن گفته‌اند ولی گفتهٔ آنان چیزی را بر ما مکشوف نمی‌کند، بلکه به قول طلّاب قدیم: همه شرح الإسم است یعنی عبارتی است در بیان خوبی تصوف نه شرح ماهیت آن» [2].

---

۱) مقدمهٔ نفحات، ص ۱۶.

۲) علی دشتی، در دیار صوفیان، ص ۹، چاپ جاویدان.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

بنابراین باید گفت: تصوف یک مذهب خاصّ و منظم و محدود نیست و یک طریقهٔ التقاطی است از بهم آمیختن عقائد و افکار گوناگونی به وجود آمده است و به همین جهت حد و حصاری ندارد و در طی قرون و اعصار با مقتضیات و شرائط و افکار هر دوره تغییر شکل داده است[1].

پس حرف صحیح همان است که بگوئیم تعداد تعریفهای صوفیه، بیش از تعداد مشایخ و سران صوفیه در طول تاریخ است زیرا برخی از مشایخ برای تصوف بیش از یک تعریف گفته‌اند.

صوفیگری از چه تاریخی پیدا شده؟

بسیاری از دانشمندان و مورخان و نویسندگان غرب و حتی نویسندگان خود صوفیه تصریح کرده‌اند که نامی از تصوف در زمان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نبوده و این نام در اواخر قرن

---

۱) عمید زنجانی، تاریخ تصوف، ص ۱۵۹.

دوم هجری یا اندکی بعد از آن پیدا شده است [1].

پس لفظ **«صوفی»** از هر ریشه‌ای که مشتق شده باشد، قدر مسلم این است که استعمال آن از اواخر قرن دوم شروع شده و بعد شایع گردیده است و قبل از آن از صوفی اسمی نبوده و پس از ورود ملل مختلف به اسلام فِرَق گوناگون خصوصاً صوفیه پدیدار شده‌اند. ظاهراً **«جاحظ»**(م ۲۵۵هـ) نخستین کسی است که این کلمه را در کتاب **«البیان و التبیین»** استعمال کرده است [2]. واولین کسی که این نام بر او اطلاق شده است، **«ابوهاشم کوفی»** می‌باشد و قبل از او کسی به این نام خوانده نشده است [3].

«جامی» می‌گوید: **«ابوهاشم»** با **«سفیان ثوری»** معاصر بود و سفیان دربارهٔ او گوید:

«لولا ابو هاشم الصوفی ما عرفت دقائق الریاء»

---

۱) ترجمهٔ رسالهٔ قُشیریه. ص ۲۴ - نفحات الأنس. ص ۲۸.

۲) البیان و التبیین، ج ۱، ص ۲۳۲، چاپ مصر.

۳) نفحات الأنس، ص ۳۱.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

اگر ابوهاشم صوفی نبود من دقایق ریا را نمی‌شناختم و پیش از وی بزرگان بوده‌اند در زهد و ورع و معاملت نیکو در طریق توکل و طریق محبت، لیکن اول کسی که وی را «صوفی» خواندند، وی بود و پیش از وی کسی را به این نام نخوانده بودند [1].

به گفتهٔ **«کیوان قزوینی»** معروف به **«منصور علیشاه»** که خود مدتها از جمله مشایخ فرقهٔ گنابادی بود:

«اول کسی که زیر بار این ننگ و بدعت رفت، و در باطن فخر و به ظاهر هم در اواخر عنوان ثابتی شد، ابو هاشم کوفی بود که رنجها به خود راه داد تا عرادهٔ صوفی راه افتاد» [2].

مؤلف **«اصول الدیانات»** معتقد است که منظور ابوهاشم کوفی از وضع این مسلک آن بود که دین اسلام را برهم زند [3] و همچنین «اولین خانقاهی که برای صوفیان بنا

1) مدرک قبل. 2) استوارنامه، ص ۲۲.
3) به نقل از کوی صوفیان تا حضور عارفان، ص ۴۱.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

کردند، آن است که به «**رمله**» شام کردند، سبب آن است که امیری ترسا به شکار رفته بود، در راه دو تن را دید از این طائفه که فراهم رسیدند و دست در آغوش یکدیگر کردند و هم آنجا بنشستند و آنچه داشتند از خوردنی پیش نهادند و بخوردند آنگاه برفتند. امیر ترسا را معامله و الفت ایشان را با یکدیگر خوش آمد.. .گفت: من برای شما جائی بسازم تا با یکدیگر آنجا فراهم آئید پس آن خانقاه به رمله بساخت»[1].

پس طبق نوشتهٔ «**عبدالرحمن جامی**» اول خانقاهی که برای صوفیان در خاک مسلمانان بنا کردند، در رملهٔ شام -مرکز دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام - به وسیلهٔ یک فرمانروای مسیحی بوده است، حال جای این سؤال است که فرمانروای مسیحی در ساختن خانقاه در کشور اسلامی چه منظوری داشته است؟!

آیا غیر از ایجاد تفرقه در میان مسلمانان و فاسد

---

۱) نفحات الأنس، ص ۳۲ - ۳۱.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

کردن دین و ایمان آنان و از بین بردن عظمت اسلام چه هدفی می‌تواند داشته باشد؟! و نیز معلوم می‌شود صوفیگری به یاری نصاریٰ وارد جامعهٔ اسلامی شده است.

«دکتر طٰه حسین» در بارهٔ پیدایش تصوّف در جامعهٔ اسلامی می‌نویسد:

«تصوّف در آغاز به صورت ترک دنیا و زهدی بود که طرفداران آن زیاده‌روی کردند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله آن را ناروا شمرد، چه **«عثمان بن مظعون»** را از رهبانیتش بازداشت و بر **«عبدالله بن عمرو بن عاص»** که تصمیم گرفت تمام عمر روزه بگیرد و در خواندن قرآن زیاده‌روی می‌کرد، سختگیری نمود و می‌خواست که اصحابش دین خود را سهل و آسان گیرند و آنها را به یاد قرآن می‌آورد که خداوند برای ایشان آسانی خواسته نه دشواری **﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللّٰهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لاٰ يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾**[1]. و در دین برای ایشان سختی قرار نداده

---

۱) سورهٔ بقره: ۱۸۵.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

است ﴿مَا يُرِيدُ اللّٰهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ﴾[1]. صحابه‌ای را که در روزه و نماز زیاده‌روی می‌کردند، فرمود: که هم روزه بگیرند و هم افطار کنند و هم به نماز شب برخیزند و هم بخوابند و آنچه را خدا برای ایشان حلال کرده است، بر خویش حرام نگردانند. پافشاری پیغمبر در این امر به آنجا رسید که قسمتی از عبادات خود را از اصحاب پنهان می‌داشت که مبادا کار بر آنان دشوار گردد و خود را به آنچه او انجام میدهد، مقیّد سازند و بیش از حد طاقت، خود را به زحمت اندازند آنان را نهی کرد که روزهٔ وصال بگیرند و شب و روزی پشت‌سر هم امساک نمایند...».

وی در ادامهٔ سخنانش می‌نویسد:

«علیرغم این سختیگری پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ترک دنیا معمول شد و دسته‌ای از مسلمانان شایسته جز به آن که نرمی زندگی را رها کنند و در راه بندگی و بدگذرانی و ترک لذت

---

۱) سورهٔ مائده: ۶.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

برخود سختیگری نمایند، تن ندادند. البته ترک دنیا به این صورت اشکال مهمی ندارد، چه مردم اگر بتوانند زاهد شوند و از زهد آنها بدی به دیگران نرسد، در این کار آزاد می‌باشند. لیکن چیزی نگذشت که این ترک دنیا در آن هنگام که فرقه‌هائی پدید آمد، تغییر قیافه داد و تدریجاً بر دشواری و پیچیدگی آن افزوده می‌شد، تا آن که تصوف از آن پدید آمد. و هنگامی که ارتباط مسلمانان با فرهنگهای بیگانه شدت یافت، دشوارتر و پیچیده‌تر شد چیزی نگذشت که تصوف تحت تأثیر آشنائی مسلمانان با فرهنگ هند و ایران و به خصوص فرهنگ یونان قرار گرفت و ترک دنیا از صورت کوشش در عبادت و زیاده‌روی در آن به صورت چاره‌جوئی برای متحد شدن یا پیوستن با خدا یا شناخت او از طریق اشراق درآمد».

سپس تصوف به مذاهب باطنیان آمیخته شد و بیش از پیش دشوار و پیچیده گشت و از آنچه مردم از شؤون دینی می‌شناختند منحرف گردید و خود به صورت مذهبی

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

جداگانه، بلکه مذهبهائی مورد اختلافِ اختلاف‌کنندگان درآمد متصوّفه سخنانی گفتند که مورد انکار فقها و محدّثین و متکلّمین قرار گرفت...»[1].

پیدایش تصوّف در جوامع اسلامی

دربارهٔ پیدایش تصوف در جوامع اسلامی و این که این طریقت از کجا به محیط اسلامی راه یافته، سخن بسیار گفته شده است: گروهی از محققان، تصوف را در اسلام مولود افکار مذاهب هندی شمرده‌اند و عده‌ای آن را زائیدهٔ فلسفهٔ یونان خصوصاً فلسفهٔ نو افلاطونیان جدید تصور کرده‌اند. بعضی دیگر آن را مأخوذ از آئین مسیحیت و رهبانیت و زهد انجیل دانسته‌اند و جمعی هم گفته‌اند: مولود عکس‌العمل فکر آریائی در مقابل افکار عربی است.

1) طه حسین، آئینهٔ اسلام، ترجمهٔ مرحوم دکتر محمد ابراهیم آیتی، ص ۲۳۱ - ۲۳۰، چاپ انتشار.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

مؤلف کتاب «**ارزش میراث صوفیه**» می‌نویسد:

«جستجوی یک منشأ غیر اسلامی برای تصوف اسلامیان قرنهای دراز معمّای جالب و سرگرم کننده‌ای برای چندین نسل از محققان اروپا شده است و از این رو فرضیه‌های گونه‌گون در بیان اصل و منشأ تصوف اظهار گشته است...» [1].

البته فرضیه‌هائی که ذکر شده، هریک حقیقتی را شامل است، لیکن وافی به مقصود و شامل کلیه حقایق نیست، بلکه با توجه به مدارک و شواهد موجود، این‌طور به نظر می‌رسد که پیدایش تصوف معلول یک مأخذ خاصّ و مولود یک عامل نمی‌باشد، بلکه عوامل یاد شده از خارج و به اضافهٔ عوامل داخل هرکدام در انعقاد نطفهٔ تصوف و سیر تکاملی و نموّ تدریجی آن در تاریخ اسلام تأثیر و نفوذ خاصی داشته است و تصوف (به اصطلاح اسلامی) از فعل و انفعال یک

1) دکتر زرین کوب، ارزش میراث صوفیه، ص ۱۲.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

سلسله علل و عواملی به وجود آمده است.

بدیهی است احتمال این که هیچ عاملی جز اسلام در پیدایش مسلک نوظهور تصوف دست‌اندرکار نبوده، کاملاً مردود می‌باشد و این موضوع را می‌توان بامطالعهٔ تعلیمات اسلام و تصوف و مقایسهٔ آن دو به خوبی دریافت و شک نیست که اندیشه‌های فلسفی و دینی گوناگون در جریان تصوف اسلامی وارد و حل شده است.

به قول یکی از طرفداران صوفیه: پس از تماس مسلمانان با سیّاحان و رهبانان مسیحی و نیز بعدها پس از انتشار اسلام در سوریه و عراق و مصر که این تماس بیشتر شد، تصوف اسلامی که با قوانین شریعت اسلام مطابقت داشت، با طریقهٔ رهبانیت مسیحیان و دیرنشینان نسطوری از گوشه‌گیری و ترک تعلّقات دنیوی و ترک نکاح و سیاحت که مخالف احکام اسلام بود [1] آمیخته گردید و صورت خاصی

۱) ابن جوزی، در کتاب «تلبیس ابلیس» از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می‌کند که فرمود: **«لا زمام و لاخزام و لا رهبانیة و لا تبتل و لا سیاحة فی**

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

به خود گرفت. پس از آن که ایـرانـیان مـغلوب قـوم عـرب گردیدند و برای حفظ جان زیربار دیانت اسلام رفتند، چون اختلاف نژادی و اوضاع اجتماعی و سبک زنـدگی بـین قـوم عرب و ایرانی بسیار شدید بود و خصوصاً به علت سوء رفتار بنی‌امیه، ایرانیان گذشته از مبارزات سیاسی و ادبی، با نیروی اندیشهٔ فلسفی نیز به مبارزه پرداختند و یکی از مـحصولات این تلاش فکری طریقت تصوف اسلامی ایرانی بود.

بدین ترتیب که با استادی کامل تصوف اسلامی را با پوسته‌های رهبانیت مسیحیان در قالب افکار ایرانی که متکی به فلسفهٔ ایران باستان بود، ریختند تا شکـل کـاملاً جـدیدی پیدا کرد و بعد با فلسفهٔ یونان و به خصوص افکار افلاطونیان جدید که از فلسفهٔ ایران باستان متأثر بود، آمیخته و سـپس آن را با فلسفه و افکار هندی تلفیق و تکمیل نـمودند تـا بـه

الإسلام» یعنی حلقه در بینی آویختن و حلقه موئین در منخرین قرار دادن و رهبانیت و ترک نکاح و ترک شهر و گردش در زمین بدون مقصد معلوم و سودمند. در اسلام جایز نیست.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

مرحله ذوق و رشد و کمال رسید به طوری که به هیچ‌وجه قابل مقایسه با تصوف اسلامی نبود»[1].

واقعیت این است که : تصوف جریان فکری واحدی نیست مجموع جریانهای گوناگون است و ناچار منشأ آن همه را نمی‌توان با یک عبارت بیان کرد، در تصوف به اصطلاح اسلامی مبادی واصولی وجود دارد که با عقائد و تعالیم اسلامی در تضاد می‌باشد و لذامنشأ واقعی آن نمی‌تواند اسلام و قرآن باشد و باید منشأ این نوع افکار و عقائد را درخارج تعالیم اسلام جستجو کرد.

جای انکار نیست که عقائد و مذاهب غیر اسلامی به تدریج در طی قرنهای متمادی در تصوف به اصطلاح اسلامی نفوذ پیدا کرده است به این ترتیب که قسمت عمدهٔ نفوذ این عقائد از طریق ترجمهٔ علوم و تمدنهای بیگانه به محیط اسلامی راه یافته و مترجمین که خود دارای گرایشهای

---

۱) توحیدی پور، مقدمه نفحات الأنس، ص ۲۳ - ۲۲.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

خاصی بودند، در انتقال اصول و مبانی تصوف به محیط اسلامی سهم فراوان داشتند و نفوذ برخی از عقائد دیگر را نیز به طور غیر مستقیم در اثر ارتباط مستقیم و مستمرّ صوفیه با مِلَل بیگانه و فرقه‌های گوناگون باید دانست.

بنابراین برای تصوف به اصطلاح اسلامی دو نوع منابع قابل تصور است: یکی منابع خارجی و دیگری منابع اسلامی[1].

صوفیگری از اسلام بیگانه است

منابع مهم خارجی تصوف اسلامی، عبارت است از مسیحیت و رهبانیت و افکار و آداب هندی و بودائی و ایرانی و فلسفهٔ یونان مخصوصاً نوافلاطونی. می‌توان گفت تصوف اسلامی بیشتر از خارج به جهان اسلام راه یافته است و

۱) تفصیل این بحث را می‌توانید در کتاب «عرفان و تصوف» ص۲۹ به بعد مطالعه کنید.

ریشه‌های آن کاملاً غیر اسلامی است و از اصول واقعی اسلام منحرف می‌باشد به همین جهت از روز اول مخالفت پیشوایان دینی و فقهاء و اهل شرع را در پی داشت و صوفیه را مورد تکفیر و مزاحمت فقهاء و متشرّعین قرار داد و زندگی را بر آنها دشوار ساخت.

البته این انکار بر پشمینه‌پوشان، اختصاص به پیشوایان و فقهاء و زهاد نداشت، بلکه عامّهٔ مسلمانان هم نظر خوبی نسبت به جماعت صوفیه نداشتند و طرز رفتار و ظواهر حال آنان را برخلاف تعالیم اسلام می‌دانستند و بعضی از شعراء نیز اصحاب صوف را به عنوان این که پشمینهٔ خویش را دام راه مردم کرده‌اند، مذمّت می‌نمودند و در کتب ادب عربی و فارسی اشعاری که حاکی از نفرت نسبت به پشمینه‌پوشان هست، بسیار به چشم می‌خورد از جمله:

«ابو اسحاق شیرازی» فقیه معروف دربارهٔ ابیاتی از یک شاعر نقل می‌کند که در طی آن می‌گوید: این گروه

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

صوفیه بدترین گروه مردمند به حلولی که می‌گویند نباید اعتناء کرد و باید از آنها پرسید: آیا آنگاه که شما با خدا عشق می‌ورزیدید، به شما گفت: همچون بهائم پرخوری کنید و سپس برای من به پایکوبی برخیزید؟!

أری جیل التصوّف شرّ جیلٍ

فقل لهم داهون بالحلول

أقال الله حین عشقتموه

کلوا أکل البهائم وارقصوا لي

جای تردید نیست که صوفیگری از اسلام بیگانه است. لیکن چنان که دیده می‌شود صوفیان با اسلام ارتباط و سازش برقرار کرده‌اند و این کار برای دو جهت بوده است: یکی آن که در میان مسلمانان در امن باشند و دیگر آن که بتوانند مسلمانان ساده‌لوح را فریب بدهند و به سوی خود بکشند.

۱) تلبیس ابلیس، ص ۳۷۷، طبع قاهره، ۱۳۴۷ هـ ق.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

این است که برای خود ریشهٔ اسلامی درست کرده‌اند و هر سلسله‌ای از ایشان خود را به یکی از یاران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله رسانیده و چنین وانمود کرده‌اند که پیامبر دو گونه تعالیم داشت، یک رشته از آنها به نام **«شریعت»** که برای همهٔ مردم بوده و دیگری **«طریقت»** که تنها برای کسان برگزیده و ویژه‌ای بوده است و آن را به کسانی از علی علیه‌السلام و ابوبکر و دیگران آموخته است که از ایشان به صوفیان رسیده است. آنچه خیانت صوفیان را بزرگتر گردانیده، آن است که دستبردهائی در اسلام کرده‌اند و چنین خواسته‌اند که تا بتوانند به اسلام رنگ صوفیگری بزنند به جای آن که خود پیروی از اسلام کنند، اسلام را پیرو خود ساخته‌اند اگر کسی بخواهد خیانتهای صوفیان را تنهاً در این زمینه بنویسد، کتاب مفصّلی خواهد بود.

بدین ترتیب عرفان و تصوف وارداتی را به نام اسلام خوانده‌اند و عقائد کفرآمیز خود را که مخالف طبع سلیم اسلام بوده، به آن تحمیل نموده‌اند و از ترکیب آنها تصوف و

عرفان خاصی به وجود آورده‌اند که در تاریخ به نام عـرفان اسـلامی مـعروف شـده است و هـمین بـاعث شـده عـرفان اسلامی اصالت و ارزش خود را از دست بدهد و برای مردم جهان ناشناخته بماند. عجیب است که بعضی از مردم ساده و بی‌اطلاع چنین می‌پندارند که اسلام اصول طریقت تصوف را پذیرفته است و در تعالیم و احکام اسلام هیچ ماده و اصلی نیست که معارض و مخالف آن باشد.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

مخالفت سرسختانه پیشوایان دین با بدعت صوفیگری

پیشوایان راستین اسلام که حافظان دینند، بیش از همه با افکار انحرافی و بدعت دینی مبارزه می‌کردند و پیروان خویش را از پیروی صوفیان و هر گروه باطل دیگر برحذر می‌داشتند و در این باره احادیث فراوانی از معصومین علیهم‌السلام وارد شده است تا آنجا که مرحوم **«شیخ حرّ عاملی»**(متوفی ۱۱۰۴هـ ق) صاحب کتاب **«وسائل‌الشیعة»** کتابی به نام **«الإثنیٰ عشریه»** در ردّ و مذمّت صوفیه نوشته و در آن صدها روایت در انکار و نکوهش آنان نقل کرده است وی

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

می‌نویسد:

«جمیع الشیعة أنکروهم»(أي الصوفية) و نقلوا عن أئمّتهم أحادیث کثیرة في مذمّتهم و صنّف علماء الشیعة کُتباً کثیرةً في ردّهم و کُفرهم منها کتاب الشیخ المفید في الرد علی أصحاب الحلاّج و ذکر فیه أن الصوفیة في الأصل فرقتان حلولیة و اتّحادیّة» [1].

«تمام شیعیان، فرقه‌های صوفیه را انکار نموده‌اند و از امامان خویش احادیث بسیاری در نکوهش آنان نقل کرده‌اند و علمای شیعه کتابهای بسیاری در ردّ این فرقه و اثبات کفر آنان تألیف نموده‌اند که از آن جمله کتاب شیخ مفید در رد بر اصحاب حلاّج است که در آن آمده است: صوفیه در اصل دو فرقه: حلولیه و اتحادیه می‌باشند»

در اینجا چندین حدیث از کتب معتبر که مورد اعتماد تمام علمای شیعه است، نقل می‌کنیم:

۱) الاثنی عشریه، ص ۵۳.

۱ - پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از پدید آمدن این گروه خبر داده و فرموده است:

«لا تقوم الساعةُ علیٰ اُمّتي حتّیٰ یقوم قومٌ منَ أُمّتي اِسمُهُمْ الصُّوفیة لیسوا مني و إنهم یَحْلِقُونَ لِلذِّکْرِ و یرفَعُونَ أَصْواتَهُمْ یَظُنُّونَ أَنَّهُمْ علیٰ طریقَتِي بَلْ هُمْ أَضَلُّ مِنَ الکُفّار و هُمْ أَهلُ النّار لَهُمْ شَهیقُ الحِمارِ» [۱].

«روز قیامت بر امتم برپا نشود تا آن که قومی از امت من به نام **«صوفیه»** برخیزند آنها از من نیستند و بهره‌ای از دین ندارند و آنها برای ذکر دور هم حلقه می‌زنند و صداهای خود را بلند می‌کنند به گمان این که بر طریقت و راه من هستند نه، بلکه آنان از کافران نیز گمراه‌تر و اهل آتشند و صدائی دارند، مانند عرعر الاغ».

از این روایت معلوم می‌شود که صوفیگری در زمان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نبوده و آن حضرت به عنوان خبر از غیب پیشگوئی کرده است که بعدها چنین فرقه‌ای در میان امت

---

۱) الاثنیٰ عشریه، ص ۳۴ - سفینة البحار، ج ۲، ص ۵۸ - شرح نهج‌البلاغة خوئی، ج ۶، ص ۲۹۸.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

پیامبر صلی الله علیه و آله پیدا خواهند شد و این معجزه است و تحقّق آن در خارج دلیل صحت آن حدیث می‌باشد و دیگر این که در این روایت تصریح شده است که آنان بر طریقت پیامبر نیستند و از کفار نیز گمراه‌ترند.

۲ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی از لعن ملائکه بر این گروه خبر داده است، آنجا که در اثنای سفارشهای خود به «ابوذر» فرمود:

«یا أباذر یکون في آخرالزمان قومٌ یلبسون الصُّوفَ في صیفهم و شتائهم یرون الفضل لهم بذلك علیٰ غیرهم اُولئك یلعَنُهُم ملائکةُ السَّماء والأَرض» [1].

«ای ابوذر در آخرالزمان قومی پیدا می‌شوند که در تابستان و زمستان لباس پشمینه می‌پوشند و این عمل را برای خود فضیلت و نشانهٔ زهد و پارسائی می‌دانند. آنان را فرشتگان آسمان و زمین لعن

۱) وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۳۶۲ - الأمالی، ص ۲۴۲ - مکارم الأخلاق، ص ۲۴۶ - حدیقة الشیعة، ص ۴ - ۵۶۳ - شرح نهج البلاغة خوئی، ج ۱۳، ص ۳۷۶.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

می‌کنند».

روشن است قومی که به پشمینه‌پوشی و خرقهٔ صوف مشهور باشند و خود را بهتر از دیگران بدانند، همین صوفیان و درویشانند. علاوه بر این که لباس شهرت است و حرام می‌باشد، اخبار زیادی هم به خصوص در مذمّت آن‌ها رسیده است[1].

۳ - به سند صحیح از **«احمد بن محمد بزنطی»** روایت کرده‌اند که مردی به امام صادق علیه‌السلام عرض کرد در این زمان قومی پیدا شده‌اند که به آنها **«صوفی»** می‌گویند دربارهٔ آنها چه می‌فرمائید؟

امام در پاسخ فرمود:

«انَّهم أعداؤُنا فمن مال إليهم فهو منهم و يُحْشَرُ معهم و سيكونُ أقوام يدَّعونَ حُبّنا و يميلون إليهم و يتشبّهون بهم و يُلقِّبُونَ أنفسهُمْ بلقبِهِمْ و يُأوِّلون أقوالهم ألا فمن مالَ

۱) وسائل الشیعة، ج۳، ص ۳۶۲ - ح ۱ و ۲ و ۳ و ۴.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

إلیهم فلیس منّا و إنّا منه بُرآءُ و من أنکرهم و ردَّ علیهم کان کمَنْ جاهد الکفّار بین یدیْ رسول‌الله صلی الله علیه و آله».[1]

«آنها(صوفیها) دشمنان ما هستند. پس هرکس به آنان میل کند از آنان است و با آنان محشور خواهد شد و به زودی کسانی پیدا می‌شوند که ادعای محبت ما را می‌کنند و به ایشان نیز تمایل نشان می‌دهند و خود را به ایشان تشبیه نموده و لقب آنان را برخود می‌گذارند و گفتارشان را تأویل می‌کنند. بدانکه هرکس به ایشان تمایل نشان دهد از ما نیست و ما از او بیزاریم و هرکس آنان را ردّ و انکار کند مانند کسی است که در حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با کفار جهاد کرده است».

از این روایت چند نکته استفاده می‌شود:

اوّلاً: تا زمان امام صادق علیه السلام در میان مسلمانان صوفی نبوده واز آن به بعد پیدا شده است. پس اگر کسی اصحاب پیامبر و امیرمؤمنان را صوفی بنامد، دلیل بر بی‌اطلاعی او است.

---

۱) سفینة‌البحار، ج ۲، ص ۵۷ - حدیقة‌الشیعة، ص ۳ - ۵۶۲ - الاثنی عشریه، ص ۳۲ - شرح نهج‌البلاغة خوئی، ج ۶، ص ۳۰۴.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

ثانیاً: این خبر کرامتی از امام صادق علیه السلام است کـه از ساده‌لوحان زمان خبر می‌دهد درآنجا که می‌فرماید: **«ادعای محبت ما می‌کنند و به دشـمنان مـا مـایل هسـتند»**. مـراد، صوفیهای به ظاهر شیعه است که دعوی محبت اهـل بـیت پیامبر می‌نمایند.

ثالثاً: لقب صوفی بر خود می‌گذارنـد و طـرز رفـتار و ظواهر حال خود را به آنها تشبیه می‌نمایند.

رابعاً: آن که فرمود گفتار ایشـان را کـه کـفر و فسـق است، تأویل می‌کنند و حمل بر صحت می‌نمایند مثلاً شـعر عاشقانه مـی‌گویند و دم از شـراب (امّ‌الخـبائث) و مـطرب و ساقی می‌زنند. تأویل‌گران می‌گویند: مقصود عشق بـه خـدا و علم و نماز و امام است و آنـها زبـان و اصـطلاحات خـاصی دارند.

۴ - به سـند صـحیح از «بـزنطی» و «اسـماعیل بـن بزیع» از امام رضا علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمود:

«مَنْ ذُکِرَ عِنْدَهُ **الصوفیةِ و لَمْ یُنکرهُمْ بلسانهِ و قلبِهِ**

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

فليس منّا و مَنْ أنكَرهُمْ فكأنّما جاهدَ الكفّار بينَ يديْ رسول‌الله صلی الله علیه و آله» [1].

«هر کس نزد او از صوفیه سخن به میان آید و به زبان و دل انکار ایشان نکند، از ما نیست و هر کس صوفیه را انکار نماید گویا این که در راه خدا در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله با کفار جهاد کرده است».

از این روایت استفاده می‌شود هر فرد شیعه موظّف است اگر در حضور او از صوفیه ذکری به میان آید، با زبان و دل آنها را تقبیح نماید و اگر کسی نسبت به این موضوع بی‌تفاوت باشد، بلکه کلمات کفر و باطل آنها را حمل بر صحت کند، شیعه و پیرو اهل بیت علیهم السلام نیست.

۵ - به سند معتبر از **«حسین بن سعید»** روایت شده است که گفت:

سألت أباالحسن علیه السلام عن الصوفية و قال: «لا يقول

۱) الاثنی عشریه، ص ۳۲ - حدیقةالشیعة، ص ۵۶۲ - سفینةالبحار، ج ۲، ص ۵۷ - شرح نهج‌البلاغة خوئی، ج ۶، ص ۳۰۴.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

أحد بالتصوف الا لخُدعة أو ضلالة أو حماقة و أما مَن سمیٰ نفسه صوفیاً للتقیَة فلا إثم علیه و علامته أن یکتفي بالتسمیة فلا یقول بشيٍ من عقائدهم الباطلة»[1].

از حضرت رضا علیه‌السلام سؤال کردم از حال صوفیه؟ فرمود: «کسی قائل به تصوف نمی‌شود مگر از روی خدعه و مکر یا جهالت یا حماقت و لیکن اگر کسی از روی تقیه خود را صوفی بنامد، تا از شرّ آنها در امان بماند بر او گناهی نیست به شرط آن که بر چیزی از عقائد باطلشان قائل نشود.

این روایت صراحت دارد در این که به هیچ‌وجه جایز نیست کسی خود را صوفی بنامد، (مگر از روی تقیه) و مطلق عقائد آنها باطل است و اگر احیاناً یک دسته صوفی سالم وجود داشت که عقائد آنها صحیح بود، امام می‌فرمود از آنها بودن اشکال ندارد.

۶ - در کتب معتبر روایت کرده‌اند از امام حسن

۱) الاثنیٰ عشریه، ص ۳۱ - سفینة البحار، ج ۲، ص ۵۸.

عسکری علیه السلام که فرمود: از امام صادق علیه السلام از حال «ابوهاشم کوفی» صوفی -بنیانگذار تصوف در اسلام- سؤال کردند، فرمود:

«إنَّه کان فاسدَ العقیدة جدّاً و هو الذي ابتدعَ مَذْهَباً یقالُ له التصوف و جعلهُ مفرّاً لعقیدته الخبیثة»[1].

«ابوهاشم کوفی جداً فاسد العقیده است او همان کسی است که از روی بدعت مذهبی اختراع کرد که به آن تصوف گفته می‌شود و آن را قرارگاه عقیدهٔ خبیث خود ساخت».

در بعضی از روایات به سند دیگر آمده است که آن حضرت فرمود:

«و جعله مفرّاً لنفسه الخبیثة و أکثر الملاحدة و جُنَّةً لعقائدهم الباطلة»[2].

«و آن راگریزگاهی از برای باطن خبیث خود و اکثر بی‌دینان و

۱) الاثنی عشریه، ص ۳۳ - حدیقة الشیعة، ص ۵۶۴

۲) حدیقة الشیعة، ص ۵۶۴

سبری از برای عقائد باطل ایشان قرار داد».

از این روایت معلوم می‌شود عقیدهٔ تصوفِ «**ابوهاشم کوفی**» (م۲۵۵هـ) انکار دین و آئین بود. و چون جرأت اظهار آن را نداشت، لذا به نام تصوف گفت به حق واصل شده را تکلیفی نیست و آن را گریزگاهی برای خود و اکثر بی‌دینان قرار داد».

۷ - «**کلینی**» به سند معتبر از «**سُدیر صیرفی**» روایت کرده که: من روزی از مسجد بیرون می‌آمدم و امام باقر علیه‌السلام داخل مسجد می‌شد، دست مرا گرفت رو به کعبه کرد و فرمود:

«ای سُدیر! مردم مأمور شدند از جانب خداوند که بیایند واین خانه را طواف کنند و به نزد ما آیند و ولایت خود را بر ما عرض نمایند».

سپس فرمود:

«یا سُدیر فأُریك الصّادّین عن دین‌الله. ثم نظر إلی أبي حنیفة و سفیان الثوري في ذلك الزمان و هم حلَق في

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

المسجد فقال: هؤلاءِ الصّادّون عن دين‌الله بلا هدى من الله و لا كتاب مبين. إنَّ هؤلاء الأخابث لو جلسوا في بيوتهم فجال الناس فلم يجدوا أحداً يُخبرهم عن‌الله تبارك و تعالى و عن رسوله صلى الله عليه و آله حتى يأتونا فنخبرهم عن‌الله تبارك و تعالى عن رسوله» [1].

«ای سُدیر! می‌خواهی کسانی را که مردم را از دین خدا جلوگیری می‌کنند به تو نشان دهم؟ آنگاه به **ابوحنیفه و سفیان ثوری** که در مسجد حلقه زده بودند، نگریست و فرمود: اینها هستند که بدون هدایت از جانب خدا و سندی آشکار، از دین خدا جلوگیری می‌کنند اگر این پلیدان در خانه‌های خود بنشینند و مردم را گمراه نکنند. مردم به سوی ما می‌آیند و ما ایشان را از جانب خدا و رسول خبر می‌دهیم».

در این روایت از **«سفیان ثوری»**(م ۱۶۱هـ) که از سران صوفیه محسوب می‌شده، به شدت انتقاد شده است.

و ضمناً امام باقر علیه السلام در این حدیث به خطر آن دو

---

۱) اصول کافی، ج ۱، ص ۳ - ۳۹۲.

نفر که سمبل دو جریان و حرکت فکری آن زمان بودند، و دستگاه خلافت آنها را در مقابل خاندان رسالت تراشیده بود، اشاره کرده است.

۸ - «**شیخ مفید**» به سند صحیح از امام علی النقی علیه‌السلام روایت کرده است که «**محمد بن حسین بن ابی الخطاب**» در خدمت امام علی النقی علیه‌السلام در مسجد النبی بودم که در آن حال جمعی از اصحاب آن حضرت شرفیاب حضور آن حضرت شدند و در میان ایشان «**ابوهاشم جعفری**» نیز بود که او مردی بسیار بلیغ و با کمال بود و در نزد آن حضرت مقام و منزلت عظیمی داشت و چون اصحاب در کنارش قرار گرفتند، بناگاه جمعی از صوفیه داخل مسجد شدند و حلقه زدند و مشغول ذکر گردیدند، حضرت فرمود:

«لا تلتفتوا إلی هؤلاء الخدّاعین فإنّهم خلفاء الشیاطین و مخربوا قواعد الدین یتزهّدون لراحة الأجسامِ و یتهجّدون لتصیید الأنعام یتجوّعون عُمُراً حتی...».

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

«به این حیله‌گران اعتنا نکنید زیرا جانشینان شیاطین و خراب کنندهٔ قواعد دین می‌باشند. زهد ایشان برای راحتی بدنهایشان و تهجّد و شب زنده‌داریشان برای صید کردن عوام است. عمری را در گرسنگی به سر برند تا عوام و نادانی را مانند خرها پالان کنند و زین بر پشت آنها گذارند».

لا یهَلِّلُونَ إلاّ لغرور الناس و لا یُقَلِّلُون الغذاء إلا لملأ العساس و اختلافِ الدِّفناس یتکلّمون الناس بإملائهم في الحبّ و یَطرحونهم بإذلالهم في الجُبّ أورادهُم الرقص و التصدیة و أذکارهم الترنّم و التغنیة فلا یتبعهم إلاّ السفهاء و لا یعتقدهم إلا الحُمقاء فمن ذهب إلی زیارة أحدٍ منهم حیّاً أو میّتاً فکأنّما ذهب إلی زیارة الشیطانِ و عبدةِ الأوثان و من أعان أحداً منهم فکأنّما أعان یزید و معاویة و أبا سفیان».

«ذکر نمی‌گویند مگر برای فریب مردم و خوراک خود را کم نمی‌کنند مگر برای پر کردن قدح و ربودن دل احمقان، با مردم دم از دوستی خدا زنند تا ایشان را به چاه اندازند، اوراد ایشان رقص و کف

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

زدن و غنا و آوازخوانی است و کسی به سوی آنها میل نکند و تابع ایشان نگردد مگر آن که از جملۀ سفیهان و احمقان باشد هرکس به زیارت یکی از آنان در حال حیات و یا بعد از مرگ برود، مانند آن است که به زیارت شیطان و بت‌پرستان رفته باشد و هرکس یاری ایشان کند، گویا یزید و معاویه و ابوسفیان را یاری کرده است.».

در همان موقع یکی از اصحاب آن حضرت عرض کرد: «**و إن کان معترفاً بحقوقکم؟**» اگرچه آن کس به حقوق شما اقرار داشته باشد؟! حضرت نگاه تندی به او کرد و فرمود:

«دَعْ ذا عنكَ مَنِ اعْتَرَف بحُقوقنا لم يذهب في عقوقنا أمَا تدري انهم أخسّ طوائف الصوفية و الصوفية كلهم من مخالفينا و طريقتهم مُغايرة لطريقتنا و إن هم إلّا نصارىٰ و مجوس هذه الأمّة أولئك الذين يجهدون في إطفاء نورالله والله يُتِمُّ نوره و لو كره الكافرون» [1].

۱) الاثنیٰ عشریه، ص ۲۸ - حدیقة‌الشیعة، ص ۶۰۲ - شرح نهج‌البلاغة خوئی، ج ۶، ص ۳۰۲- سفینة‌البحار، ج ۲، ص ۵۸.

«این سخن را ترک کن، مگر نمی‌دانی هرکس حق ما را بشناسد، مخالفت امر ما نمی‌کند. آیا نمی‌دانی ایشان پست‌ترین طوائف صوفیه می‌باشند و این فرق صوفیه عموماً مخالف ما هستند و طریقه آنان باطل و برخلاف طریقهٔ ماست و این گروه نصاری و مجوس این امت هستند و آنان سعی در خاموش کردن نور خدا(محو اسلام) می‌کنند و خداوند نور خود را تمام میکند اگرچه کافران خوش ندارند».

از این روایت صحیح که متن و ترجمهٔ آن بیان گردید، چند نکته قابل توجه است:

الف - مضمون آن انکار و مذمت تمام صوفیه است و تصریح به این که آنها عموماً مخالف طریقهٔ اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشند و اگرچه دم از علی علیه‌السلام و اولاد او بزنند و ادعای تشیّع نمایند آنان از سایر فِرَق صوفیه پست‌تر و نزد شیطان محبوبترند زیرا آنها باعث گمراهی شیعیان می‌شوند.

ب - غضب آن حضرت نسبت به آن مرد که گفت: «و لو معترف به حقوق شما باشد» در پاسخ فرمود: آن کس که معترف به حقوق ما می‌باشد با ما مخالفت نمی‌کند. یعنی

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

آنان در ادعای خود دروغگو هستند و اعتراف به حقوق اهل بیت باتصوف و صوفیگری سازگار نمی‌باشد.

ج - آنجا که فرمود صوفیه هم‌پیمان شیطان هستند و زیارت ایشان زیارت شیطان است معلوم می‌شود ایشان روابط تنگاتنگ و سروسری با شیطان دارند و گمراه کردن بندگان خدا و غیب‌گوئی و مکاشفات ادعائی ایشان همه به کمک شیطان است شیطان در نظر مریدان مجسم می‌شود و مرشد می‌گوید حق تجلی کرده و چون به حق واصل شده‌ای امام به زیارت شماآمده است مرید بیچاره از شوق به وجد می‌آمد و گریهٔ شوق سر می‌دهد.

د - فرمود: هرکه یاری ایشان کند، یاری یزید و معاویه و ابوسفیان را کرده با آنها محشور خواهد شد. پس کسانی که نسبت به ایشان خوش‌بین بوده و کلمات کفرآمیز و آلوده به خرافات آنان را تأویل و یا حمل به معانی صحیح می‌کنند، به گناه بزرگی مرتکب شده‌اند چون یاری ایشان نموده‌اند و در واقع بدتر از یزید و پدران وی هستند زیرا او

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

بدنهای اهل حق را پایمال کرد و ایشان افکار و عقائد آنان را نابود کردند!

هـ - از آنها تعبیر به نصاری و مجوس شده است، شاید به خاطر این است تأثیر مسیحیت و ادیان قدیم ایرانی در تصوف بیشتر بوده است بنابراین، صوفیها اگرچه خود را مسلمان می‌نمایند ولی در میان مسلمانان بسان نصاری و مجوس می‌باشند.

و - حضرت آنان را به بت‌پرستان تشبیه فرمود، شاید برای آن است که آنان صورت مرشد و قطب خود را در حال عبادت مانند بت مورد توجه قرار می‌دهند.

۹ - عده‌ای از علمای بزرگ از حضرت عسکری علیه‌السلام روایت کرده‌اند که به **«ابوهاشم جعفری»** که یکی از بزرگان شیعۀ آن عصر بود، فرمود:

«یا أبا هاشم سیأتي زمانٌ علی الناسِ وجوههم ضاحکةٌ مستبشرة و قلوبهم مُظلمة منکدرةٌ السنةُ فیهم

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

بدعة و البدعة فيهم سنة المؤمن بينهم محقر و الفاسق بينهم موقَّرٌ اُمراؤُهم جائرون و علماؤُهم في أبواب الظلمة سائرون أغنياؤُهم يسرقون زادالفقراء و أصاغرهم يتقدّمون على الكُبراء كل جاهل عندهم خبير و كل محيل عندهم فقير لا يميّزون بين المخلص و المرتاب و لا يعرفون الضّأْنَ من الذئاب علماؤُهم شرار خلق الله على وجه الأرض لأنَّهم يميلون إلى الفلسفة والتصوف».

«ای ابو هاشم زمانی برمردم بیاید که رخسارشان شاد و خندان ولی دلشان تیره و تاریک گردد تا آنجا که سنت دینی در نظرشان بدعت و بدعت میان ایشان سنت شود، مؤمن پیش آنان حقیر و فاسق بین ایشان محترم است فرمانروایان آنها زورگو و دانشمندانشان به خانهٔ ستمکاران رفت و آمد می‌کنند، ثروتمندانشان توشهٔ فقرا را می‌دزدند کوچکانشان بر بزرگانشان تقدم جویند هر نادانی نزد ایشان اهل خبره است و هر حیله‌گری نزد ایشان فقیر باشد و اهل خلوص و اهل شک را از هم تشخیص ندهند و گوسفند را از گرگ نشناسند دانشمندانشان بدترین خلق در روی زمین هستند زیرا به فلسفه و تصوّف علاقه نشان

می‌دهند».

«و أیم الله إنّهم من أهل العُدوانِ والتحرّف یبالغونَ في حُبّ مخالفینا یُضلّون شیعتنا و موالینا فإن نالوا منصباً لم یشبَعُوا عن الرشاء و إنْ خُذلُوا عبدوالله علی الریا ألا إنهم قُطّاعُ طریق الدینِ والدعاةُ إلی نِحلة الملحدین فمن أَدْرَکهم فلیحذرهم و لیصُن دینه و إیمانه»[1].

«به خدا قسم آنان دشمنان ما هستند و دین خدا را تغییر می‌دهند و در دوستی مخالفان ما اصرار می‌ورزند و پیروان و دوستان ما را گمراه می‌کنند و اگر به مقامی برسند، از رشوه سیر نشوند و چون خوار و بیچاره شوند از روی ریا به عبادت می‌پردازند. آگاه باش که آنان راهزنان دین و دعوت کنندگان به راه بی‌دینان هستند. پس هرکس آنان را درک کند باید از ایشان برحذر باشد و دین و ایمان خود را حفظ نماید».

۱) شرح نهج البلاغهٔ خوئی، ج ۶، ص ۳۰۴ - سفینة‌البحار، ج ۲۷ ص ۵۷ - حدیقة‌الشیعة، ص ۵۹۲.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

۱۰ - در کتب معتبر روایت کرده‌اند که جمعی از صوفیان در خراسان وارد محضر امام رضا علیه‌السلام شدند به عنوان اعتراض گفتند: مأمون فکر کرد و رأی او چنین شد که امامت و ولایت را به تو بدهد ولی امامت حق کسی است که غذای سفت بخورد و لباس زبر بپوشد و سوار خر شود و به عیادت مریض برود و تو اینها را نمی‌کنی.

حضرت به آنها فرمود:

«إنَّ یوسف کان نبیّاً یلبس أقبیة الدیباج المزورة بالذهب و یجلس علی متّکآتِ آلِ فرعون ویحکم إنّما یراد من الإمام قسطه و عدله إذا قال صدق و إذا حکم عدل و إذا وعد أنجز ثم قرء: ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِینَةَ اللّٰهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبٰادِهِ وَالطَّیِّبٰاتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾[1].

«یوسف پیامبر بود و قباهای دیبای مطلاّ می‌پوشید و بر مسند آل فرعون تکیه می‌زد و حکم می‌راند وای بر شما همانا از امام عدالت و

۱) سورهٔ اعراف: ۳۲.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

دادگری متوقّع است که چون سخن بگوید، راست بگوید و چون حکم کند به عدالت باشد و چون وعده دهد، به وعدهٔ خود وفا کند. سپس آن حضرت آیهٔ زیر را قرائت فرمود: **«بگو چه کسی زینتهای خدا را که برای بندگان خود آفریده، حرام کرده است و از صرف روزی حلال و پاکیزه منع نموده است»** [1].

البته به این مضمون روایات زیادی وارد شده که صوفیان و ریاکاران به روش زندگی سایر ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام نیز اعتراض کرده‌اند و پاسخهای متعددی شنیده‌اند [2].

عجیب است که صوفیهای نسلهای بعد برای جلب عوام سلسله ارشاد خود را گاهی به امامان ما نسبت داده و برخی از آنان را جزء مشایخ خود شمرده‌اند، درحالی که نیاکانشان درحال حیات امامان با آنان معارضه می‌کردند و به شدت مورد غضب و رد وانکار و اعتراض آنان بودند.

---

۱) منهاج البراعة، ج ۶، ص ۳۰۵ - سفینة‌البحار، ج ۲، ص ۵۶.
۲) به باب ملابس وسائل الشیعة، و کافی و سایر کتب حدیث مراجعه شود.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

مضمون این روایات انکار و مذمت تمام فرق صوفیه است و تصریح به این که آنها عموماً مخالف طریقهٔ اهل بیت و ائمهٔ اطهار علیهم السلام می‌باشند. تعجب‌آور این که اخیراً شنیده می‌شود برخی از صوفیان -که جرأت رد روایات ضد صوفیه را ندارند- می‌گویند این روایات مربوط به صوفیان سنی مذهب است و ربطی به صوفیان شیعه مذهب ندارد. چنان که **«زین‌العابدین شیروانی»** صاحب کتاب **«کشف المعارف»** که یکی از سران صوفیه به ظاهر شیعه است، می‌نویسد:

«این مطلب درست است که می‌گویند امام رضا علیه السلام گفته است: **«هرکس که در حضور او از صوفیان ذکری به میان آورد، با زبان یا دل خود آنها را تقبیح نکند، از ما نیست و هرکس آنها را تقبیح کند، مانند کسی است که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله با کافران می‌جنگد»** اما باید درک کرد که روی این سخن صرفاً با صوفیان دروغین است که **«آفتاب**

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

امامت را تیره می‌کنند» یعنی صوفیهای سنی [1] بنا به گفتهٔ معصوم علیشاه فرزند جانشین شیروانی **«تصوف حقیقی، همان تشیع حقیقی است»** تشیع امامی، وجه بیرونی راه ائمهٔ معصوم، و حقائق الهی تصوف وجه درونی آن است [2].

در پاسخ می‌گوئیم:

اولاً: مضمون و منطوق این روایات عموماً برخلاف این ادعاست و مضمون برخی از آنها انکار و مذمت تمام صوفیه است و تصریح به این که آنها عموماً مخالف طریقهٔ اهل بیت و ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام می‌باشند و اگرچه دم از علی علیه‌السلام و اولاد او بزنند. آنان در ادعای خود دروغگو هستند به این معنی محبت اهل بیت و شیعه بودن با تصوف سازگار نیست.

ثانیاً: اگر شبهه را قوی بگیریم و بگوئیم این روایات در مذمت و انکار صوفیهای سنی مذهب است و شامل صوفیهای به اصطلاح شیعه نمی‌باشد، باز صوفیهای مدعی

---

۱) کشف المعارف، ص ۶ - ۵ (تهران ۱۳۵۰ ش).
۲) طرائق الحقائق، ج ۱، ص ۱۰۶.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

تشیع از ردّ و انکار و غضب ائمۀ اطهار علیهم السلام در امان نیستند زیرا در این روایات تصریح شده است: **«هرکس یاری ایشان(صوفیه) کند، گویا یزید و معاویه و ابوسفیان را یاری کرده است و هرکس به زیارت یکی از آنان درحال حیات یا بعد از مرگ برود، مثل این است که به زیارت شیطان رفته است»**.

آیا تعریف و توصیف آنها و ترویج افکار آنها کمک به آنان نیست؟! آیا توجیه کلمات کفرآمیز و آلوده به خرافات آنها، یاری آنان نیست؟!

آیا صوفیان به ظاهر شیعه، همان سخنان متقدمان صوفیه را تکرار نمی‌کنند؟! آیا اصول عقائد آنها یکی نیست؟!

ثالثاً: روایت امام صادق علیه السلام که به سند صحیح روایت شده است، دقیقاً شامل صوفیهای به ظاهر شیعه نیز می‌باشد امام علیه السلام ضمن بیان این که صوفیها دشمنان ما هستند و هرکس به آنان تمایل نشان دهد، از آنان است فرمود: **«در آینده کسانی پیدا می‌شوند که ادعای محبت ما را می‌کنند و**

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

به صوفیه نیز تمایل نشان می‌دهند و خود را به ایشان تشبیه نموده و لقب آنان را بر خود می‌گذارند و سخنانشان را تأویل و توجیه می‌نمایند. هرکس به ایشان تمایل نشان دهد از ما نیست و ما از او بیزاریم». بسیار واضح است که مراد امام صادق علیه‌السلام صوفیهای به ظاهر شیعه می‌باشند که دعوی محبت اهل بیت می‌نمایند و لقب صوفی بر خود می‌گذارند. **پس صوفیهای شیعه‌نما مفرّی از این روایات ندارند.**

استناد صوفیان به قرآن و روایات

با این همه روایاتی که در ردّ و انکار و مذمت صوفیه وارد شده است، بسیار عجیب است که بعضی از سران صوفیه ادعا کرده‌اند که **«تصوف ریشه در قرآن و سنت پیامبر و ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام دارد»**[1]. سپس بدون این که به

۱) خورشید تابنده، ص ۱۶.

آیات مورد نظرشان استناد کرده باشند، روایاتی را به شرح زیر عنوان کرده‌اند:

۱ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

«من سرّه أن یجلس مع الله فلیجلس مع أهل التصوف» [۱]: «یعنی هرکس از همنشینی با خدا خوشحال می‌شود، باید با اهل تصوف همنشینی کند».

۲ - به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت داده‌اند که آن حضرت فرمود:

«لا تَطْعَنُوا أهل التصوف و الخرق فإن أخلاقهم أخلاق الأنبیاء و لباسهم لباس الأنبیاء» [۲].

«یعنی بر اهل تصوف و خرقه‌پوشان طعن نزنید که اخلاقشان اخلاق پیامبران و لباسشان لباس پیامبران است».

۳ - به امیرمؤمنان علی علیه السلام نسبت داده‌اند که فرمود:

«التصوف أربعةُ أحْرُفٍ: (تاء و صاد و واو و فاء).

---

۱) بشارة المؤمنین، ص ۳۱۵. ۲) خورشید تابنده، ص ۱۶.

التاء ترک و توبة و تقی. و الصاد صبر و صدق و صفا. و الواوُ ودّ و ورد و وفا. والفاء فرد و فقر و فناء».

یعنی: «تصوف چهار حرف است تاء، صاد، واو و فاء. تاء: ترک دنیا و توبه و پرهیزکاری است. و صاد: صبر و راستی و صفای دل است. و واو: دوستی و توجه به ورد و دعا و... وفا به عهد است و فاء تنها بودن و فقر الی الله و نیستی و فانی شدن از انانیت»[1].

۴ - بعضی مدعی هستند که لفظ **«صوفی»** در عصر امیرمؤمنان علی علیه‌السلام نیز متداول بوده و بر زهاد و عباد اطلاق می‌شده است و شاید تنها مدرکی که برای استنباط ذکر کرده‌اند، روایتی است که در کتاب **«غوالی‌اللئالی»** از آن حضرت نقل شده است که فرموده: لفظ **«صوفی»** مرکب از سه حرف است(ص، و، ف) **«صاد»** بر سه پایه قرار دارد: صدق و صبر و صفا. **«واو»** نیز بر سه پایه است: ودّ و ورد و وفا. **«فاء»** بر سه پایه قرار دارد: فرد و فقر و فنا. کسی که این

---

۱) رفع شبهات، ص ۶۰ - تحفهٔ عباسی، حاشیهٔ سبع‌المثانی، ص ۱۹ - لطیفهٔ غیبی، ص ۱۹۵ - بشارت المؤمنین، ص ۳۱۶.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

معانی در او موجود باشد صوفی است **«و الا الکلب الکوفي أفضل من ألف صوفي»**.

در پاسخ می‌گوئیم: بدون تردید کلماتی نظیر **«تصوف» و «صوفی»** در قرآن کریم نیامده است و این که ادعا کرده‌اند تصوف و صوفی ریشهٔ قرآنی دارد و آیه‌ای را هم به عنوان نمونه ارائه نداده‌اند، ادعای بدون دلیل است.

اما دربارهٔ روایاتی که صوفیه به آنها استناد کرده‌اند:

حدیث اول که به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت داده‌اند، اصل آن به این صورت است :**«من أراد أن يجلس مع الله تعالى فليجلس مع أهل التصوف»** [1].

و حدیث دوم که باز به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت داده‌اند، هر دو به طرق عامّه است و طبق تحقیق علمای حدیث اهل سنت از جملهٔ احادیث ساختگی است و هر دو از

---

۱) اللئالي المصنوعة في الأحاديث الموضوعة، ج ۲، ص ۱۴۲ - ط مصر، تألیف سیوطی.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

احادیث مجعول می‌باشد [1].

چنان که یکی از دانشمندان صوفی، معتقد به تصوف ذهبی انتساب این احادیث و اخباری را که گویای نام تصوف و صوفی باشد، به حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیرمؤمنان علیه‌السلام از مجعولات دانسته است [2].

اما دو حدیث منسوب به علی امیرالمؤمنین علیه‌السلام که شرحی توأم با تعبیرات لطیف و دلنشین دربارهٔ حروف **«تصوف»** و **«صوفی»** بشمار می‌رود نخست باید یادآور شد اگر کسی به علم حدیث‌شناسی وارد باشد، می‌داند که این‌گونه سخن گفتن از سنخ کلام امام نیست، بلکه از سنخ کلام صوفیان است. کتابی که این روایت از آن نقل شده، **«غوالی‌اللئالی»** تألیف **«ابن أبی جمهور احسائی»** است که دانشمندان برجستهٔ فقه و حدیث و رجال، صاحب این کتاب را به سهل‌انگاری در نقل اخبار و خلط کردن درست و

---

۱) همان مدرک، ص ۴۲ و ۴۳.
۲) ذهبیه، تصوف علمی، آثار ادبی، ص ۴۳.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

نادرست نسبت داده‌اند [1]. و محدث جزائری در یکی از تألیفاتش گفته است که اصحاب از نقل و مباحثه در اطراف اخبار این کتاب خودداری می‌کرده‌اند [2].

مهم‌تر این که دکتر **«اسدالله خاوری»** با تمام علاقه و دلبستگی که به رشتهٔ تصوف خصوصاً **«ذهبیه»** داشته و خود از مشاهیر و شخصیتهای علمی این فرقه بشمار می‌رود، دربارهٔ کتاب **«غوالی‌اللئالی»** می‌نویسد:

«این کتاب چندان مورد اطمینان علمای حدیث نمی‌باشد» [3].

جالب این که دربارهٔ حدیث منسوب به علی علیه‌السلام معتقد است: «این حدیث اساساً در کتب معتبرهٔ (اصول اربعه) نیامده است [4] سپس می‌افزاید: «این سنخ اشتباهات

۱) ... ۶۴.
۲) ... در ک... ص ۳۳۱، چاپ آل البیت.
۳) ... علم... ادبی، ص ۳۳ پاورقی شماره ۳.
۴) ... صوف... ج ۱، ص ۴۴.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

را مورخین و تذکره‌نویسان نموده‌اند چنان که عبارت منسوب به «**جُنید بغدادی**» یا «**ابوعلی رودباری**» را که گفته‌اند: **«الصوفي من لبس الصوف علی الصفا و جعل الدنیا تحت القفا»** نایب الصدر از شرح باب حادی‌عشر از قول شیخ **«مقداد بن عبدالله»** نقل کرده و به حضرت علی علیه السلام نسبت داده است این اشتباه و نظائر آن سابقه دارد»[1].

در این صورت به آنچه صوفیه استناد کرده‌اند، نمی‌توان اعتماد کرد زیرا آنها از این نوع اکاذیب و اشتباهات عمدی! زیاد دارند.

«دکتر خاوری» که به جعلی بودن این روایات اذعان دارد، ولی عملاً در استناد به آنها کوچکترین تأمّلی نمی‌کند. او در یک سخنرانی دربارهٔ نفوذ تصوف در ادب فارسی، تلاش می‌کند تصوف را شعبه‌ای از معارف اسلام قلمداد نماید در تعریف تصوف می‌گوید:

---

۱) همان، ص ۴۳.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

اینک برای تقریب اذهان یکی از تعریفاتی که بعضی آن را از حضرت مولی الموالی علی علیه السلام می‌دانند، ولی مسلماً اشتباه کرده‌اند، و عده‌ای آن را به حضرت جعفر بن محمد الصادق علیه السلام نسبت داده‌اند که آن هم جای تأمل است و اما گروهی آن را مجعول و ساختهٔ ذوق ایرانیان دانسته‌اند، بیان می‌نمائیم:

«کسی از معصوم سؤال نمود که **ماالتصوف؟** حضرت در پاسخ فرمود: **«التصوف أربعة أحرف: «تاؤه»**: ترک و توبة و تقی. **«صاده»**: صبر و صوم و صلاة. و **«واوه»**: ورد و ودّ و وفاء. و **«فاؤه»**: فقر و فاقة و فناء.

این تعریف اگر هم مجعول و زادهٔ ذوق ایرانی باشد، به راستی جعل بد و ناپسندی نیست، زیرا از حروف متشکّلهٔ آن تا حدی حالات و مقامات تصوف را از بدایات تا نهایات بیان نموده است [1].

---

1) دکتر اسدالله خاوری، استاد دانشگاه پهلوی، سه گفتار، ص ۱۱.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

پس می‌بینیم از خاندان وحی حتی یک حدیث هم در تأیید فرقهٔ صوفیه چه سنی و چه شیعه به ما نرسیده است، بلکه آنچه که فرموده‌اند، همه در نکوهش و ذمّ صوفیه است و اگر حدیثی در کتب خود صوفیه باشد، آن اعتبار ندارد زیرا بنای ایشان برای ترویج مرام خود بر جعل و تحریف است.

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com

فهرست مطالب

مقدمه	۳
بحثی کوتاه پیرامون تصوّف	۸
تعریف تصوّف	۹
صوفیگری از چه تاریخی پیدا شده؟	۱۳
پیدایش تصوّف در جوامع اسلامی	۲۰
صوفیگری از اسلام بیگانه است	۲۵
مخالفت سرسختانهٔ پیشوایان دین	۳۰
استناد صوفیان به قرآن و روایات	۵۵

پژوهشی درباره ابن عربی، عرفان و تصوف
www.ebnearabi.com